

مدیریت چشم مخاطب

چگونه نشانه‌های تصویری را سازمان دهی کنیم

محمد حسین نیرومند

سرشناسه: نیرومند، محمدحسین، ۱۳۴۳ -
عنوان و نام پدیدآور: مدیریت چشم مخاطب: چگونه نشانه‌های تصویری را سازماندهی کنیم/
محمدحسین نیرومند.

مشخصات نشر: تهران: فرهنگسرای میردشتی، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری: ۱۰۸ ص: مصور (رنگی)؛ ۲۲ x ۲۲ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۱۶-۷۱-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیا
عنوان دیگر: چگونه نشانه‌های تصویری را سازماندهی کنیم.
موضوع: ادراک تصویر
موضوع: عکس‌پردازی

موضوع: احاط دیداری در هنر
موضوع: چشم - حرکتها
رده بندی کنگره: BF۲۴۳/ن۹م۱۳۹۲

رده بندی دیویی: ۱۵۱/۴
شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۸ ۱۲۱



فهرست‌های میردشتی
MIRDASHTI PUBLICATION

مدیریت چشم مخاطب

چگونه نشانه‌های تصویری را سازمان دهی کنیم

مؤلف: محمدحسین نیرومند

ویراستار: سینا خلخالی

صفحه‌آرایی: لیلیان نیرومند

مدیر تولید: علی زارعی - فاطمه خسروچردی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۲

چاپ: لیسکوپی

شمارگان: ۲۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۱۶-۷۱-۹

قیمت: ۲۵.۰۰۰ ریال

ناشر: انتشارات فرهنگسرای میردشتی

تهران: میدان انقلاب، ایستای کار ۴، جنوبی، نبش وحید

نظری، مجتمع تجاری نادر

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۹۰۶۶۰

فکس: ۰۲۱-۶۶۴۹۰۶۸۸

مشهد: چهارراه لشکر، به طرف میدان دهی، پاساژ دینیه

تلفن: ۰۵۱۱-۸۵۴۳۹۵۱

نمابر: ۰۵۱۱-۸۵۱۴۷۶۱

www.fmirdashti.com

www.fmirdashti.ir

info@fmirdashti.com

فهرست مطالب

پیشگفتار	
۸/ فیزیولوژی بینایی	
۱۰/ نقش روزنه ۲/ میلی متری	
۱۱/ ساکاده های چشم	
۱۲/ کانون های تمرکز	
۱۴/ آزمون های یار بوس	
۱۶/ ساکاده ها و کانون های تمرکز یک تصویر	
۲۰/ نقشه های کانون های توجه	
۲۲/ نقشه های حرارتی کانون های توجه	
۲۸/ نقش موجود زنده در یک تصویر	
۳۲/ گذرگاه بینایی کجا و چس؟	
۳۴/ عناصر بصری ادراک	
۳۸/ قوانین سازمان بندی ادراکی	
۴۰/ شکل و زمینه	
۴۲/ اصل مشابهت	
۴۴/ اصل مجاورت	
۴۸/ اصل پیوستگی	
۵۰/ اصل امتداد خوب	
۵۱/ اصل بسته شدن	
۵۲/ اصل تغییر مشترک	
۵۴/ اصل اعتدال بودن یا آشنایی	
۵۶/ اصل ترتیب کردن و برجسته ساختن	
۵۸/ اصل نقطه های کانونی	
۶۰/ اصل تقارن	
۶۴/ تأکیدهای بصری	
۶۶/ عنصر مسلط	
۷۴/ شبکه یا قاب تصویر	
۷۵/ عدم تقارن میلان دید	
۷۶/ پوشش در سطح قاب تصویر	
۷۸/ کانون تمرکز در سینه ها	
۸۲/ ادراک ژرفا	
۸۶/ اهمیت نیم کره ی شرقی	
۸۹/ خوانش تصویر	
۹۶/ طراحی زیر ساخت انتزاعی	
۱۰۲/ ترکیب بندی رویایی	

در جهان امروز بخش عمده‌ای از آموزش‌های عمومی جوامع به حوزی تصویر سپرده شده است. با توجه به حجم انبوه اطلاعات که از طریق رسانه‌های متنوع و متعدد به مردم منتقل می‌شود، سهم قابل توجهی از وظایف رسانه‌های مکتوب به رسانه‌های دیداری سپرده شده است و هر لحظه نیز سهم رسانه‌های دیداری افزوده می‌شود. پس از هزاران سال که از تولد خطوط تصویری می‌گذرد و فراموشی چند هزار ساله‌ی این خطوط، یک بار دیگر سواد تصویری تجدید حیات می‌یابد سواد بصری ظاهراً بسیار پیچیده می‌نماید، اما هم‌اکنون همه‌ی انسان‌ها در اقصی نقاط جهان بدون برخورداری از کمترین آموزش‌ها، تحت تأثیر جریان عظیم اطلاع‌رسانی دیداری در حال مطالعه‌ی آثار تصویری‌اند!

اینکه چگونه این زبان ارتباطی بدون آموزش توسط انسان دریافت می‌شود، چیز عجیبی نیست؛ چرا که اطلاعاتی که توسط تصویر به آن‌ها انتقال می‌یابد دقیقاً با توانایی سیستم دریافتی انسان‌ها هماهنگ شده است. به عبارتی، پیام‌ها آن‌چنان در تصویر رمزگذاری می‌شوند که سامانه‌ی فیزیولوژیکی ادراکی انسان قادر به رمزگشایی و سپس فهم و دریافت آن‌ها باشد.

هرچند رمزگشایی و دریافت این پیام‌ها در قالب تصاویر توسط انسان‌ها ساده می‌نماید، اما کار رمزگذاری در تصویر که توسط هنرمندان صورت می‌گیرد، بسیار پیچیده و دشوار است. این دشواری به عوامل بسیاری باز می‌گردد اما بی‌شک یکی از این عوامل مهم، عدم شناخت هنرمندان از توانایی‌های فیزیولوژیکی چشم انسان و حوزی ادراک تصویر و دریافت آن است. کتاب حاضر سعی بر آن دارد تا گوشه‌ای از این توانایی‌های انسان را در دریافت تصویر بشناساند.



صرف و نحو زبان بصری تا حدودی شبیه دستور زبان نوشتاری و کلامی است. اگر نشانه‌های قراردادی یا همان حروف و واژگان، نقش صرفی دستور زبان را بر عهده دارند، نشانه‌های تصویری که بعداً درباره‌ی آن‌ها بیشتر خواهیم گفت، این نقش و وظیفه را بر عهده خواهند داشت. گرچه ساختار نحوی یا چیدمان کلمات در زبان نوشتاری منضبط و کاملاً قراردادی است، اما این ساختار نحوی در زبان بصری، مبتنی بر ویژگی‌های فیزیولوژیکی و روان‌شناختی ادراک آدمی است. بی‌دلیل نیست که امروزه بیش از سه هزار زبان رایج در دنیا وجود دارد در حالی که زبان تصویری، یگانه زبان مشترک همه‌ی انسان‌ها محسوب می‌شود. از آنجا که ساختار نحوی این زبان به توانایی مربوط به ادراک تصویر باز می‌گردد، بنابراین شناخت این توانایی‌ها برای هنرمندی که قصد دارد تا پیشش را در قالب تصویر به مخاطب منتقل کند امری ضروری است. او باید بتواند نشانه‌های تصویری خود را به گونه‌ای سازمان‌دهی کند تا به بهترین شکل ممکن توسط مخاطب دریافت شود. این امر هنگامی اتفاق می‌افتد که او توانایی مدیریت چشم مخاطب را داشته باشد.

ایده‌ی اولیه‌ی این کتاب به سال ۱۳۷۳ باز می‌گردد. در یکی از شماره‌های نشر به‌ی کیهان کاریکاتور مقاله‌ای با عنوان «زیبایی‌شناسی روایی» به چاپ رساندم که در طول بیست سال گذشته موضوع آن یکی از دغدغه‌های همیشگی من بوده است. در آن مقاله به نقش فیزیولوژی چشم در دریافت بهتر محتوای یک اثر کاریکاتوری اشاره شده بود. چیدمان نشانه‌های تصویری در یک اثر، جدا از جنبه‌های زیبایی‌شناسی آن، باید به گونه‌ای سازمان‌دهی شوند که بتوانند به بهترین شکل توسط مخاطب دریافت شوند. با اینکه نزدیک به بیست سال از آن تاریخ می‌گذرد، کتابی که بر اساس این موضوع بسیار مهم در عرصه‌ی هنرهای تجسمی تدوین یا ترجمه شده باشد، ندیده‌ام. این در حالی است که کافی است چند واژه‌ی کلیدی این بحث مانند Eye Tracking یا Saccade را در اینترنت جست‌وجو کنید تا به اهمیت این بحث در دنیای امروز پی ببرید. تازگی این بحث از یک سو و نبود منابع فارسی از سوی دیگر، پرداختن به این موضوع را دشوار ساخته است. اما این امر نباید مانع پرداختن به آن شود. نگارنده باور دارد که کاستی‌های فراوانی در کتاب پیش رو وجود دارد اما با این حال امید آن دارد که این گونه مباحث بتواند علاقه‌مندان عرصه‌ی آموزش هنرهای تجسمی را به عرصه‌های جدیدی رهنمون سازد.



در پایان بر خود لازم می‌دانم از همه‌ی دوستان و اساتید بزرگواری که مرا در نگارش این کتاب ترغیب و راهنمایی کرده‌اند، تشکر کنم. ضمن آنکه نباید رابطه‌ی پدری باعث شود از دخترم زهرا نیرومند که زحمت ترجمه‌ی متون انگلیسی کتاب را بر عهده داشته است، قدر دانی نکنم.

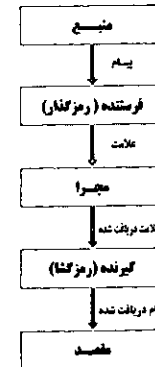
فیزیولوژی بینایی

بسیار شگفت‌انگیز است! تقریباً کمتر کتابی مرتبط با هنرهای تجسمی می‌یابید که در آن به مطلبی درباره‌ی فیزیولوژی چشم اشاره کرده باشد. این در حالی است که چشم تنها مدخل ورودی اطلاعات تصویری است و تنها اندام دریافت محرک‌های بصری به حساب می‌آید. چنان که می‌دانید، در الگوی معروف ارتباط، ما با سه عامل روبه‌رویم:

هنرمند، اثر هنری و مخاطب

هنرمند با اثر هنری خود است که با مخاطب ارتباط می‌یابد. در هنرهای تصویری، اطلاعات در قالب نشانه‌های تصویری سازمان‌دهی می‌شود. این نشانه‌های تصویری ابتدا از طریق چشم مخاطب دریافت می‌شود که نوعی فرایند فیزیولوژیکی محسوب می‌شود. سپس در مرحله‌ی ادراک، این نشانه‌ها توسط مغز رمزگشایی شده و سرانجام مخاطب به دریافت محتوای اثر نائل می‌شود. بنابراین، شناخت عملکرد چشم برای هنرمند امری ضروری است. طبیعی است که او در گام نخست آفرینش اثر هنری خود باید اطلاعات تصویری اثرش را متناسب با توانایی فیزیولوژی چشم هماهنگ سازد. به این منظور لازم است ابتدا با کارکرد، ماهیت و نقش چشم، متناسب با بحث اصلی این کتاب آشنا شد.

ارسطو حدود ۲۳۰۰ سال قبل در کتاب ریطوریکای خود می‌گوید، گوینده یا بهره‌گیری از رتوریک که شیوه‌ای خاص در ارائه‌ی استدلال است، می‌خواهد مخاطب را ترغیب کند تا دیدگاه وی را اختیار کند. او در این جریان سه عنصر اساسی را هم تفکیک می‌کند: گوینده، گفتار گوینده و مخاطب. بسیاری از نظریه‌پردازان امروزی نیز تقریباً همین سه عنصر را برگرفته‌اند و فرایند ارتباط را انتقال چیزی-پیام-از فرستنده به گیرنده توصیف کرده‌اند. القای ارتباط



نموذج شانون و وی در درباره‌ی یک نظام ارتباطی عام

ارتباط فرایندی است که ارتباط گر یا فرستنده از طریق یک رسانه یا مجرا، پیامی را با تأثیری معین به گیرنده می‌رساند. القای ارتباط

